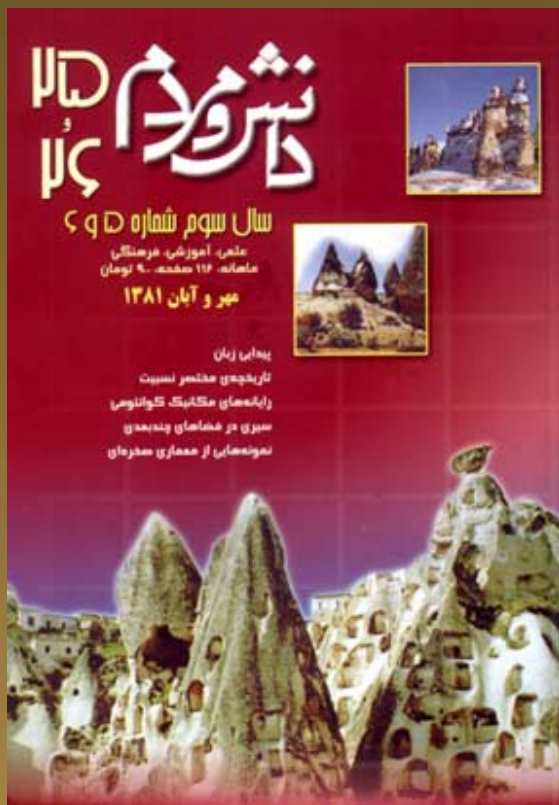


۱۶۰

دو برچیده از دو شمارهء « دانش و مردم » :

روح الله مهدی پور عمرانی : بررسی چند واژه ی پهلوی باستان در زبان مازندرانی

آتش ارشدی : نمونه هائی از معماری صخره ای (در سرزمین های کهن)



دانش و مردم
(علمی، آموزشی، فرهنگی)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
دکتر محمدرضا طاهریان
سرمدیز پرویز شهریاری
مدیر فن: حسن نیک‌بخت
اپری جلد: سیروس فرستانی

حروفچینی: گنجینه ۶۴۱۲۰۱۲
لیتوگرافی: آبرنگ ۶۴۰۳۹۷۷
چاپ و صحافی: رامین ۶۷۰۸۵۸۱

اشتراک سالانه: ایران ۵۰۰۰۰ ریال
خارج: معادل ۱۵۰ فرانک فرانسه
نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۳۱۲۵ / ۵۹۳
به نام نشریه دانش و مردم تلفن: ۶۷۰۸۵۸۱
پست الکترونیکی:
Daneshvamardom@Mavara.Com

حق اشتراک و کمک‌های نقدی خود را به حساب جاری شماره ۲۳۵۲ بانک ملی ایران (کد بانک ۳۰۳) خیابان جمهوری، خیابان سی تیر به نام نشریه دانش و مردم واریز نمایید و رسید یا توکیبی آن را به دفتر مجله ارسال فرمایید.

مقاله‌هایی که در «دانش و مردم» چاپ می‌شود، الزاماً دیدگاه گروه‌اندگان آن نیست و نظر نویسنده مقاله یا مترجم را منعکس می‌کند.



دانش و مردم

(علمی، آموختنی، فرهنگی)

دوره جدید، شماره ۳۸ و ۳۹
دی و بهمن ۱۳۸۲

روی جلد: مقاله‌ی اینشتین را ببینید

فهرست

○ سرنوشت ستاره‌های پرچرم - نوشته: نایل گهرلرز،
تویبجی پیرو، پیتر جی. نی. لئونارد، برگردان و
تدوین: سپهر بخیوی..... ۵۰۰

○ آشنایی با آشوب - جانانان مندلسن و الانا
پلومنتال، برگردان: (با تلخیص) نگار نادری .. ۵۰۲

○ بررسی چندواژه‌ی پهلوی باستان در زبان
مازندرانی - روح‌الله مهدی‌پور عمرانی..... ۵۱۱

○ زبان پژوهش در دهه‌ی آینده - علی وانفی .. ۵۱۵

○ بیابان‌ها و بیابانزایی - حسن داداشی آرانی .. ۵۲۲

○ برخورد با تفاوت‌ها - مایکل آلبرت، برگردان:
احمد جواهریان ۵۲۸

○ غول - منوچهر بصیر..... ۵۴۴

○ برزیل و FTAA - جیمز پتراس، برگردان: بابک
پاکراد ۵۴۸

○ آیا می‌دانید که تب می‌تواند برای بدن مفید باشد؟
نوکا شهریاری ۵۵۱

○ سلامت روان و بازتاب آن در مقابله با فشارهای
روانی، رویا کوچک انتظار ۵۵۳

○ ۱۰۰۰ نکته‌ی پزشکی - دکتر ولی‌اله آصفی .. ۵۵۹

○ آغاز سخن - پرویز شهریاری ۲۵۰

○ قدرت یک معادله - برگردان: زاله صمدی و
مهدخت هاشمی..... ۲۵۸

○ سیاه‌تاباک آلبرت اینشتین - اس. چاترجی،
برگردان: خسرو باقری ۲۶۸

○ عمر خیام و حل معادله‌های درجه سوم - عباس
چرخچی ۲۷۳

○ مفهوم علت در پیش‌رفت فیزیک - تامس کتون،
برگردان: علی اردستانی ۲۸۲

○ از تبارخ دانش و فن - برگردان: پرویز
شهریاری..... ۲۹۱

○ زمان - برگردان: نگار نادری ۲۹۴



بررسی چند واژه‌ی پهلوی باستان در زبان مازندرانی

روح‌الله مهدی پور عمرانی

۱- وَشتن: (waštan)

در کارنامه‌ی اردشیر بابکان، «کرده‌ی» ۱۰، صفحه‌ی ۱۷۰ آمده است: «سه دیگر شب همگونه ایدون دید چونان که آذرفرنبغ و گشنسب و برزین مهر به‌خانه‌ی ساسان همی وختند و روشنی به‌همه‌ی کیهان همی دهند.»

در گزاره‌ی بالا فعل واژه‌ی «وختند» مترادف با واژه‌ی فارسی امروزی «تابانند، فروزانند» است.

شکل‌های دیگر و ساخت‌های دیگر این واژه‌ی باستانی در گویش مردم مازندران نیز شنیده می‌شود. حتا در ادبیات رسمی و نوشتاری مازندران امروز هم ساخت‌های گوناگون این واژه دیده می‌شود که در این جا به چند نمونه‌ی آن اشاره خواهد شد:

الف: در گویش‌ها و مثل‌ها

در لهجه‌ی طایفه‌ای از کوه‌نشینان آمل یعنی طایفه‌ی سنگچال که از بلوک دهستان «بندپی» به‌شمار می‌آیند، وَشته (wašteh) به معنی نیم‌سوز و هیزم نیم‌سوخته است. چنان که می‌گویند: وَشته کل (wašteh kal)

و چنان‌چه بخواهند نفرین کنند، می‌گویند: وَشته کل یهی (wašteh kal bahi) یعنی آتش گرفته و سوخته شده. (الهی آتش بگیری و جزغاله شوی!) مصدر آن «وَشتن» است در معنی سوختن و شعله‌ور شدن.

در یک ترانه‌ی محلی، این واژه به‌صورت صیغه‌ی سوم شخص مفرد مضارع اخباری چنین آمده است:

در بالاخانه‌ای چراغ می‌سوزد (روشن است)

بَلَنَدِ بالاجا، چراغ وِشینه

دختر سیاه‌چشمی کتاب می‌خواند

سیوچیش کیجا، کتابِ اِشینه

هرچی چشمک زَوَه مِرِه بَئِشِه
مِرِه وِرِه هَارِ شِی پِن خِشِئِه^۱

هرچه اشاره می‌کنم، به من نگاه نمی‌کند
من خوشم می‌آید به او نگاه کنم

Belande bälājā čerāq wešene.

sīyu češe kijā ketāb ešene.

Harčī česmek zammeh mere nešene.

Mere were härešīyen xešene.

ب: در ادبیات رسمی و نوشتاری

نیما یوشیج در سروده‌های بومی اش از ساخت دیگری از این واژه، استفاده کرده است:

بأفت ویمُ بدیمُ شونِ دشتُ
م یازکیمه وَر، شَمالِه وَشْتُ
جَوون هَمتی شِس اسب دَام گشتُ
چش بوشامُ هَادامُ شِس بهشتُ^۲

خوابیده بودیم، شاهان دشت را دیدم
کنار کلبه‌ی یارم مشعل روشن بود

Bāfet wimo badimo šone dašto

Me yāre kime war šamāleh wašto

Jawon homti še asbe dām gašto

Češ bōšamo hādāmo še behešto

نیما از همین واژه در دوبیتی دیگری هم استفاده کرده است:

خو بدیمُ جَهون اتا بهشتُ
شیطون بَکتُ آفتاب خَنون وَشْتُ
گدایِ دل شادون، وِ توره مَشْتُ
هرکس به کار و کار پی وِ گشتُ^۳

خواب دیدم دنیا مثل بهشت شده است
شیطان مرده بود و آفتاب خندان می‌درخشید
گدای شاد بود چون تو بره‌اش پُر بود
همه سرکار بودند و کار دنبال آدم می‌گشت

Xo badimo Jahon attā behešto

Šeytōn bakto āftāb xannon wašto

Gedaye del šādōn we tōre mašto

۱. کنزالاسرار مازندرانی (دیوان امیربازواری) برنهارد دارن روسی / به کوشش محمدشفیع مازندرانی / سن. پترزبورگ / ۱۲۷۷

۲. مجموعه‌ی کامل اشعار فارسی و تبری نیما سیروس طاهباز / انتشارات نگاه / چاپ پنجم / ویراست جدید ۱۳۸۰ /

۳. پیشین / صفحه ۶۴۶

صفحه ۶۳۵

Har kas bekār-o- kār Peyc we gašto

در لهجه‌ی نوری که نیما با آن می‌گفت و می‌سرود، در پایان فعل‌ها، حرکتِ ضمه می‌آید، در حالی که در گونه‌های دیگر لهجه‌ی مازندرانی حتا لهجه‌ی معیار آن‌که به‌گوش ساروی معروف است، حرکت پایان فعل‌ها، کسره (ـِ) است.

۲- هیختن: آب برداشتن

و باز در کارنامه‌ی اردشیر بابکان (فصل ۱۳- کرده‌ی ۲) می‌خوانیم: «... دایگان و کتیزک به‌سر چاه بودند و آب همی هیختندی و چارپایان را آب همی دادندی.»^۱
هیختندی و همی هیختندی یعنی آب برمی‌داشتند.
هم‌چنین در همین کتاب آمده است:
«بفرمایید نشستن، چه جای خوش و سایه‌ی درختان خنک و هنگام، گرم است تا من آب هَنجَم و خود و ستوران آب بخورید.»^۲
فعلِ هَنجَم مترادف «آب از چاه بکشم» است.
و نیز در همان کتاب از این فعل، اسم ابزار هم ساخته شده است:
«شاپور به‌اسواران گفت که هیچه به‌چاه افکنید و آب هنجید.»^۳
هیچه از مصدر هیختن، دلو و سطل (ظرف آب‌کشی) معنی می‌دهد. هیزه نیز ساخت دیگری از همین ریشه‌ی فعلی و باز هم به‌معنی سطل چرمی است که با آن آب از چاه برمی‌کشند.
«شاپور چونش دید که اسواران را هیچه از چاه هیختن نشاست.»^۴
امروزه در جاهایی از مازندران - به‌ویژه در حوالی بابل و آمل و بیلاقات آن - بعضی از ساخت‌های این فعل‌واژه‌ی فارسی باستان هم‌چنان کاربرد دارد که به‌نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

واژه	آوانوشت	نوع ساخت	معنی
دهیشتن	Dahišten	مصدر	آب از چاه و چشمه آوردن
دهیز	Dahiz	فعل امر	آب بیاور
هاییز	Hāecz	مصدر	آب یا شیر سرد و گرم را پیمانه و قاطی کردن

۲. پیشین / فصل ۱۳- کرده‌ی ۴.

۱. زند و هومن یسن / صادق هدایت / امیرکبیر / چاپ سوم ۱۳۴۲.

۲. پیشین / فصل ۱۳- کرده‌ی ۷. ۴. پیشین / فصل ۱۳- کرده‌ی ۱۰.



جالب تر از همه، این که در روستای کوهستانی سنگچال (از توابع آمل) به چشمه ی محل، «هیتکاه» می گویند و به تازگی همین نام را بر روی شرکت آبرسانی نهاده اند. فعل دهیشتن (هیختن) در لهجه ی مردم بندپی و سنگچال، قابل صرف کردن به ساخت ها و صیغه های شخصی است:

اول شخص مفرد	←	Dahišteme	←	آب آوردم
دوم شخص مفرد	←	Dahišti	←	آب آوردی
سوم شخص مفرد	←	Dahište	←	آب آورد
اول شخص جمع	←	Dahištemi	←	آب آوردیم
دوم شخص جمع	←	Dahišteni	←	آب آوردید
سوم شخص جمع	←	Dahištene	←	آب آوردند

ساخت های بالا در زمان گذشته (ماضی) ساده است، در زمان مضارع هم می توان این فعل را صرف کرد.

تابلو مرموزا

پیکاسو تک چهره ی استراوینسکی را کشید و به او هدیه کرد. وقتی آهنگساز وارد مرز سوییس شد، توجه ماموران گمرک مرزی به این تابلو جلب شد. گمرکچی در حالی که خطوط و سطوح کج و کوله ی تابلو را با دقت و رانداز می کرد، از استراوینسکی پرسید:

- این چیه؟

- تک چهره ی منه! پیکاسو کشیده!

- مگر می شود؟

ماموران گمرک تابلو را ضبط کردند. به نظرشان این تابلو نقشه ی رمزی تاسیساتی جایی استراتژیک بود!



دانش و مردم

(علمی، آموختنی، فرهنگی)

دوره جدید، شماره ۲۵ و ۲۶
مهر و آبان ۱۳۸۱

روی جلد: نقاشی معماری صخره‌ای را ببینید

فهرست

○ آغاز سخن - پرویز شهریاری ۲۲۶

○ نظریه‌ی همه چیز - اسطفن هاوکینگ،

برگردان: ساسان کامگار ۲۳۱

○ پیدایی زبان - خسرو باقری ۲۴۱

○ چشم‌اندازی نظیبه بر فرهنگ‌های ایران و زبان

شهاب ستوده نژاد ۲۶۰

○ سپری در فضاهاى چندبُعدی - مارلین

گاردنر، برگردان: هرمز شهریاری ۲۶۶

○ تاریخچه‌ی مختصر نسبیت - اسطفن هاوکینگ

برگردان: ج. ا. بهرامی ۲۷۸

○ درس‌هایی از زبان روس - هواردج ویلسن، و...

برگردان: مهندس کورس ضیایی ۲۸۷

○ از تاریخ دانش و فن - پرویز شهریاری ۲۰۰

○ ۱۰۰۰ نکته‌ی پزشکی - ژنله‌یاد دکتر ولی‌اله

آصفی ۳۰۳

○ رایسانه‌های مکانیک کوانتوم - ست لویس

برگردان: تسوین صابری ۳۰۵

○ سفره‌ی سالم - مرگان نعمت‌اللهی ۳۱۶

○ نمونه‌هایی از معماری صخره‌ای - آتش

ارشدی ۳۲۳

○ خواندنی‌ها ۳۳۱

علی ذهبی - مهدخت هاشمی



جهانگردی

آتش ارشدی

نمونه‌هایی از معماری صخره‌ای

در سرزمین‌های کهن

از کاپادوکیه آغاز می‌کنیم، سرزمینی کهن با طبیعتی خیال‌انگیز و بس شگفت در قلب ترکیه. وقتی از آنکارا به سوی مشرق آناتولی سفر کنید سر راهتان به شهر کایسری یا «قیصری» می‌رسید. در غرب قیصری در دره‌ی «گورمه» و در دره‌های مجاور جالب‌ترین دیدنی‌های ترکیه، «مخروط‌های سنگی کاپادوکیه» قرار دارد.

دو کوه مرتفع به نام ارجیاس کوه (به ارتفاع تقریبی ۴۲۵۰ متر) و حسن کوه (به ارتفاع تقریبی ۳۵۰۰ متر) بر جلگه‌ی این ناحیه سایه افکنده‌اند و از لحاظ طبیعی مناظری چنان عجیب به وجود آورده‌اند که وقتی «پل لوکاس» به سال ۱۷۰۵ در کتاب خود به نام «سفری به مشرق» این مناظر را توصیف کرد، هیچ یک از خواننده‌ها، آن را باور نکرده و نویسنده در فرانسه به نام «جهانگرد دروغ‌پرداز» معروف شد.

کاپادوکیه، سرزمینی که طی میلیون‌ها سال شکل گرفته است - فلاتی صخره‌ای - خانه‌هایی در دل سنگ، ستون‌های صخره‌ای (دودکش‌های پریان) عبادت‌گاه‌هایی که چندین متر در عمق سنگ پیش رفته‌اند این منطقه از کثرت غارها هم چون کندوی زنبور عسل به نظر می‌آید. این مجموعه فضایی اثیری و رویاگونه‌ای را به وجود آورده است که تاثیری سخت ماورایی بر انسان دارد، عظمت و شکوه، این منظره چنان است که هر انسانی را وامی‌دارد که ساعت‌ها تنها بنشیند و مبهوت این تابلوی زیبا شود.

سرزمینی که مادر طبیعت به طرز موشکافانه، دقیق و پرزحمتی روی آن کار کرده است. هم چون معجزه‌ای است که تصور و خیال را به مبارزه می‌طلبد. جایی که عناصر زنده‌ی تاریخی، فرهنگی، هنری، همه به طرز مبهم و ناگشوده‌ای به هم وصل شده و گره خورده‌اند.



تصویر شماره ۱

کاپادوکیه، منطقه‌ای مهم و حیاتی، منطقه‌ای استراتژیک که در مسیر جاده‌ی تجاری ابریشم که یکی از شاه‌راه‌های بزرگ تجاری دنیای قدیم بود و از چین و هند و ایران می‌گذشت، قرار گرفته است. تمدن کاپادوکیه تحت تاثیر تمدن آسوری بود، اما حضور اقوام دیگر، هیتی‌ها، پارس‌ها، رومی‌ها و... در این سرزمین نقش بسته است. سرزمینی که اقوام گوناگون با یکدیگر مبادله داشتند از تبادل کالا تا تبادل اندیشه، سرزمینی که فلاسفه با عقاید مختلف همدیگر را تحت تاثیر قرار می‌دادند و ترانیک سنگین منطقه، یک شبکه‌ی پیچیده‌ی تجاری فرهنگی را به وجود آورده بود. تاریخ این سرزمین آمیزه‌ی عجیب گذشته و حال است.

میلیون‌ها سال پیش، کوه‌های ارجیاس، حسن‌کوه و آرچه داضی با گدازه‌های آتشفشانی خویش کاپادوکیه را پدید آوردند. گدازه‌ها و مواد خارج شده از آتشفشان هم‌چون رودخانه‌ای جاری، سنگ‌های آهکی را پوشاندند. گدازه‌ها با سنگ‌های آهکی درهم آمیختند، پس از مدتی که این آمیزه سرد شد، شکاف‌هایی در هر طرف ظاهر شد و نتیجه‌اش صخره‌های آتشفشانی بود، بارندگی‌های زمستانی، سیلاب‌های حاصل از ذوب برف‌ها، بادهای شنی، جریان رودخانه‌ها، به‌ویژه رودخانه‌ی سرخ قام قزل ایرماق، صخره‌های آتشفشانی بی‌حفاظ را مورد فرسایش شدید قرار داد و حاصلش آن چیزی است که ما امروز می‌بینیم، آن چه که حاصل شده است



اشکال بسیار شگرف و جادویی است. اشکالی هم‌چون اهرام، برج‌های عظیم، دودکش‌های پریان با شکل‌های مخروطی، قارچی شکل، ستونی و صخره‌هایی که به‌نظر می‌رسد کلاهی بر سر دارند. این مناظر چنان عجیب است که کشاورزان محلی آن منطقه، اعتقاد دارند این غارها پُر از اشباح سرگردان است.

روایت شده است که در آغاز دوران مسیحیت، مسیحیانی که از چنگ دژخیمان گریختند به‌این سرزمین پناه می‌آوردند و درون غارهای صخره‌ای آتشفشانی از تعرض و گزند بدخواهان مصون می‌ماندند.

کاپادوکیه در سده‌ی ۱۰ میلادی از تهدید عرب‌ها آزاد شد و آنگاه برای حدود ۳۰۰ سال راهبان از آسودگی قابل ملاحظه‌ای تحت حکومت بیزانس و سلجوقیان برخوردار بودند و پیش‌تر کلیساها در این ایام در دل سنگ‌ها ساخته شد.

مسیحیان پناهنده‌ی غارها، نخست درون این غارها، اتاق‌هایی ساختند که در قسمت‌های مرتفع مخروط‌ها قرار داشت و راه رسیدن به‌این اتاق‌ها، صعود از پلکان‌های طنابی بود و آنگاه شروع به‌ساختن کلیساهایی درون غارهای سنگی نمودند و داخل کلیساها را با نقاشی‌های زیبا و دل‌انگیز روی گچ تزئین کردند. همه‌ی این‌ها را شما هم‌اکنون می‌توانید در دره‌ی گورمه، اورگوب و لی لیج لار ببینید. بر فراز دو تا از مخروط‌های مشهور این ناحیه تخته‌سنگ‌هایی پهن و مسطح، مانند کلاه‌های نم‌دی قرار دارد و تعادل این سنگ‌ها روی این مخروط‌ها، شگفت‌انگیز است، درون این دو مخروط به‌ترتیب دو کلیسا به‌این شرح ساخته شده است: یکی کلیسای باکمر بند طلا (Tokali kilise) که موزاییک‌های داخل آن بیش از یک هزار و دویست سال قدمت دارد و حواریون را در حال ماهی‌گیری از دریای جلیله نشان می‌دهد و دیگری کلیسای سیب‌دار (Elmalı Kilise) که تصاویر اولیای مسیحی بر سقف آن نقش بسته است. سنگ‌های آتش‌فشانی با ابزارهای ساده و ابتدایی تراشیده شده‌اند و باگذشت زمان به‌تدریج بر تعداد صومعه‌ها در دل سنگ اضافه شد. در زمانی حدود ۳۰ هزار نفر سکنه داشته است و پیش از ۲۰۰ کلیسای کنده شده در سنگ، تاکنون در این محل شناسایی شده است. آنچه عجیب می‌نماید تراش سنگ‌های سختی است که بیش‌تر به‌نظر می‌رسد با دست‌ان قوی بناهایی ماهر و ورزیده انجام شده تا دست‌ان راهبانی که برای عبادت زانو می‌زدند. به‌هر حال معماری معابد بسیار دیدنی است و اکنون پس از گذشت سده‌ها این معابد و کلیساها قابل استفاده و سرپا هستند. پس از میلیون‌ها سال پیش این سرزمین، رخسار جاودانه‌ی خود را چنان حفظ کرده که گویی گذشت زمان هیچ‌گاه در آن تغییری نداده است.



تصویر شماره ۲

در سده ی ۱۴ میلادی (هنگامی که افول امپراتوری بیزانس آغاز شد، زندگی رهبانی در کاپادوکیه نیز رو به افول نهاد، اما در نیمه ی سده ی ۱۹ دوباره گروهی از مسیحیان به این منطقه آمدند و در غارها ساکن شدند و تا سال ۱۹۲۲ آن جا ماندند. هیچ کس به درستی نمی داند آخرین زاهد معتکف در این غارها چه موقع و چرا نهانگاه مخروطی شکل خود را ترک کرده است، ولی در هر حال میراث پرارزش و گران بهایی در این سرزمین برجای مانده است. هم اکنون کاپادوکیه با امکانات و تسهیلاتی که در آن فراهم شده است از مراکز بسیار مهم توریستی در ترکیه به شمار می آید که هر ساله تعداد زیادی جهانگرد از سراسر دنیا از این منطقه دیدن می کنند.

روستای کندوان

نمونه ی دیگر از معماری صخره ای روستای کندوان است که تنها نمونه ی مشابه کاپادوکیه در دنیاست.

کندوان روستایی تاریخی و کم نظیر در ۲۲ کیلومتری جنوب اسکو، میان دره ای باصفا کنار رود پرآب کندوان در ۶۲ کیلومتری شهر تبریز، دامنه ی کوه سهنند قرار دارد.

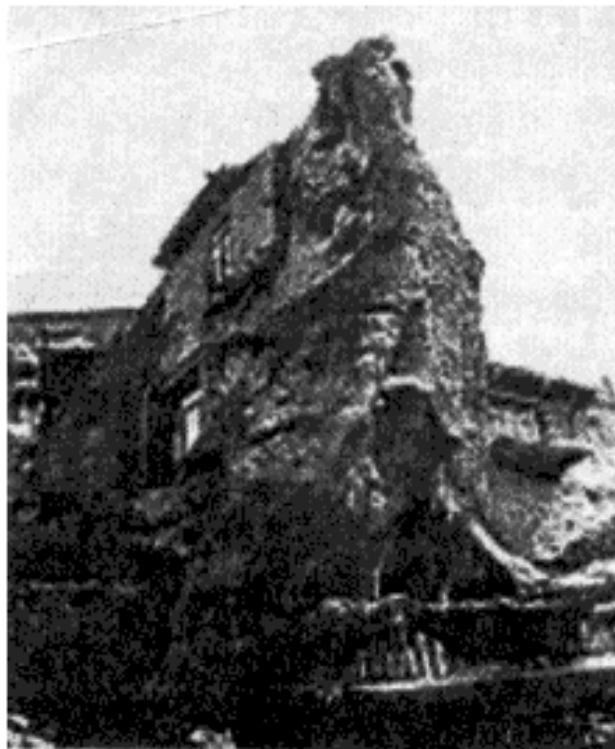


تصویر شماره ۳

همه‌ی خانه‌ها در کرانه‌ی شرقی رود کندوان ساخته شده است، کندوان منطقه‌ای کوهستانی و بیلاقی است که عده‌ای از ساکنان آن درون توده‌های مخروطی و هرمی شکل صخره‌ها، خانه، انبار، طویله و آغل پدید آورده‌اند. ساختمان خانه‌های کندوان از نوع معماری صخره‌ای است که از لحاظ فرم بنا و مصالح در سرزمین ایران منحصر به فرد است و به سده‌ی هشتم هجری و حتا پیش از اسلام نسبت داده شده است. در حمله‌ی مغول، صدها سال پیش گروهی از جنگجویان از این مناطق عبور و آنجا را به عنوان پایگاه خود انتخاب کرده‌اند و همین جنگجویان کندوان را به صورت دهکده‌ای درآوردند. مردم از روستاهای اطراف به ویژه (حیله‌ور، ۲ کیلومتری غرب کندوان) هزیمت کردند و در دشت کوچک مقابل کندوان که مشرف به دره است ساکن شدند. و بخشی از جمعیت کندوان را تشکیل دادند که از روی سفالینه‌های به دست آمده مشخص شده که تا زمان ایلخانیان نیز این محل مسکونی بوده است.

صخره‌های مخروطی کندوان در مراحل اولیه‌ی زمین‌شناسی که پوسته‌ی زمین در حال سخت شدن بوده و در اثر جابه‌جایی کوه‌ها به صورت متبلور از محیط اطراف خود جدا شده و فرم گرفته است.

این مخروط‌ها بعدها در اثر ساییدگی به صورت فعلی درآمدند. حفره‌های طبیعی موجود در



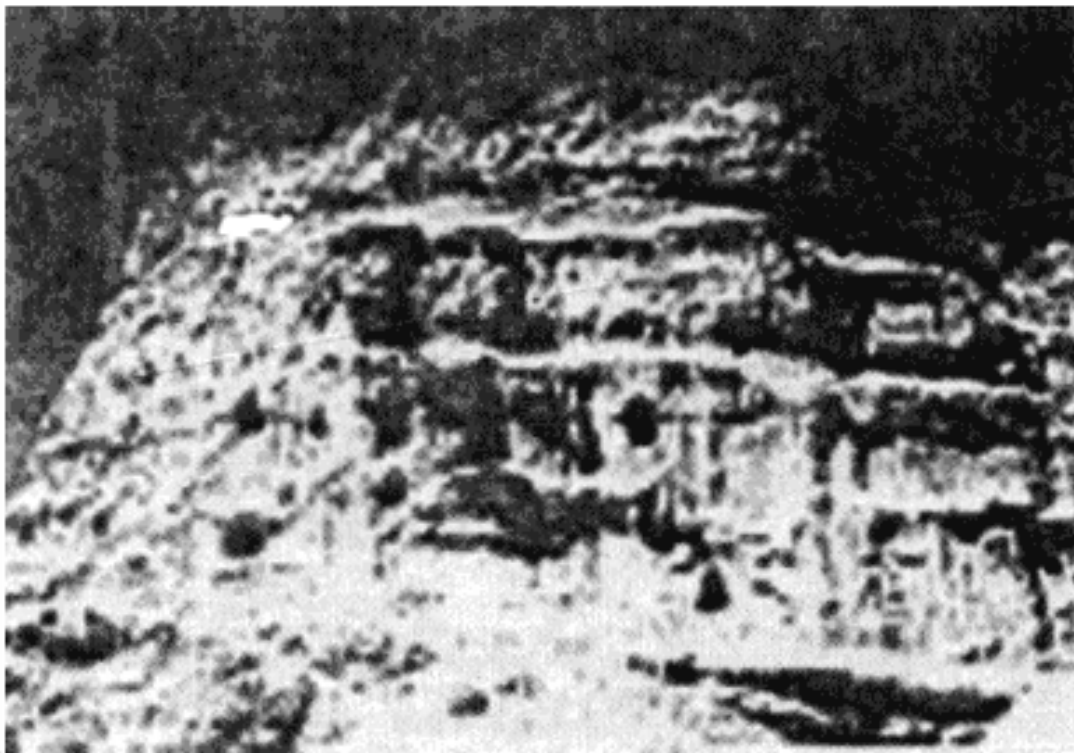
تصویر شماره ۲

این مخروط‌ها گویای آن است که ضمن به وجود آمدن این مجموعه، هوا با گازهای موجود در داخل خمیره‌ی مخروط‌ها آزاد شده و حفره‌ها را به وجود آورده است. هم‌چنین احتمال دارد که مواد سبک‌تری در داخل آن وجود داشته که به تدریج بر اثر عامل‌های طبیعی از بین رفته است و جای آن به صورت حفره‌های بزرگ خالی مانده است.

مجموعه‌ی ده‌ها کران^۱، چندتایی، دوتایی، فرد، مخروطی شکل و دوک مانند، منظره‌ای بدیع را پدید آورده است. ارتفاع این سنگ‌ها ۱۰ تا ۱۵ متر و قطر آن‌ها ۵ تا ۸ متر است. در مقابل فرسایش، بسیار مقاوم هستند و طی سده‌ها هنوز پابرجایند. روستاییان با کندن سنگ، اتاق‌هایی به ارتفاع ۲ متر و گاه ضخامت ۳ متر به وجود آورده‌اند که در برابر گرما و سرما عایق بسیار مناسبی است. به جز اتاق‌های نشیمن ۲ مسجد با دو ستون سنگی و بیش از صد آغل و انبار در دل صخره‌ها کنده شده است. درون هر مخروط میان ۲ تا ۴ طبقه مسکن ساخته شده و کوچه‌ها در حقیقت همان شیارهای ناشی از جریان تخریبی آب‌هاست.

فرم کالبدی این مجموعه از لحاظ معماری یکی از نادرترین شیوه‌هایی است که تاکنون به وسیله‌ی بشر به عنوان محل سکونت، انتخاب شده است.

۱. کران: سنگ‌های مخروطی شکل که در دل آن‌ها خلعه‌های روستایی ایجاد شده است کران نامیده می‌شوند.



تصویر شماره ۵

آثاری از معماری صخره‌ای کهن ایرانی در غارهای سنگی خربس

برای رفتن به کندوان باید به اسکو که در ۳۲ کیلومتری جنوب غربی تبریز است رفت و از اسکو ۲۰ کیلومتر راه، بازدیدکننده را به کندوان می‌رساند. کندوان نیز می‌تواند مانند کاپادوکیه به منطقه‌ی توریستی مهمی تبدیل شود.

روستای خربس (خَرَبَز)

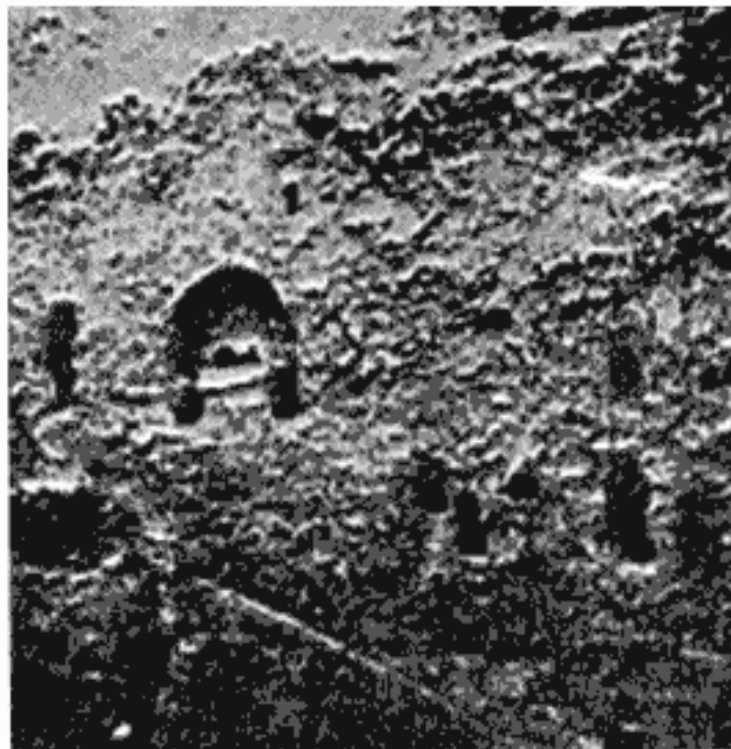
روستای قدیمی در جزیره‌ی قشم، بر سر راه قشم - درگهان واقع شده است. مهم‌ترین ویژگی آن که شگفتی هر بیننده را برمی‌انگیزد، معماری صخره‌ای موجود در آن است. در دل ارتفاعات روستای خربس، آثار باشکوهی از معماری صخره‌ای دیده می‌شود که به عقیده‌ی برخی نیایشگاه پیروان میتراسم یا پرستشگاه آناهیتا، الهه‌ی آب بوده است.

کلات^۱ خورموج^۲

در دامنه‌ی کوه موند به فاصله‌ی ۳۰ کیلومتری شهرک خورموج، در ارتفاع سنگی مشرف

۱. کلات، ده یا قلعه که بر روی کوه ساخته شده باشد.

۲. خورموج شهری است در ۸۰ کیلومتری شرق بوشهر (کنار راه بوشهر - کنگان - لنگه).



تصویر شماره ۶

به رودخانه‌ی خشکی که در بستر رودخانه‌ی قدیمی است، آثار حجاری و کوه تراشی بدیمی در دل صخره وجود دارد، که راهی باریک از سطح بستر رودخانه، آدمی را به ارتفاع ۶۰ متری که اولین مدخل معبد است، می‌رساند (بنایی سه طبقه در دل صخره) مهارت سنگ تراشی و انتخاب اضلاع قرینه در ظرافت تراش سنگ صخره‌ی کوه و تعبیر نور و محاسبه‌ی فواصل اضلاع و قرار دادن گنبد سنگی مخروطی، درست در اتاقک میانی و بر روی سکوی میانی به خوبی هنر سنگ تراشان و معماران این بنا را نشان می‌دهد.

کلات خورموج معماری صخره‌ای اعجاب‌انگیزی است که مانند سایر شواهد تمدن خلیج فارس صیغه‌ای مستقل و در عین حال متأثر از تمدن‌های مختلف ایرانی، هندی، آشوری، فنیقی و ایلامی دارد.

منابع:

1- Republic of turkey Ministry of tourism

۲- سرزمین و مردم ترکیه (ویلیام اسپنسر)، ۳- نشریه گردش، ۴- آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس

۵- احمد افتداری، ۵- شهرهای ایران - عبدالحمین سعیدپان